



واقعیتی سوار بر خیال

هیوا علیزاده

طراح آموزشی و پژوهشگر

برایش مسئله شده‌اند یا چیزی شبیه نقشه گنج را با ما در میان بگذارد و تازه این همه ماجرا نیست؛ زیرا ما هم می‌توانیم برای او عکس بفرستیم و بدین ترتیب همه با هم وارد یک داستان شویم؛ داستانی که خودمان می‌شویم جزء شخصیت‌های اصلی آن و در آن با شخصیت‌های دیگر از داستان‌های مختلف ارتباط برقرار می‌کنیم.

چیزی که قرار شد تصورش را کنیم، تجربه‌ای است که در یک کتاب‌فروشی کوچک در حال به واقعیت پیوستن است.

کار را با سؤال کردن از کودکان آغاز کردیم. از آن‌ها پرسیده شد: از بین کتاب‌هایی که خوانده‌اند یا بزرگ‌ترها برایشان خوانده‌اند چه کتابی را دوست دارند؟ چه شخصیتی در این کتاب‌ها برایشان جذاب است و چرا؟

بدین ترتیب با جناب فلیکس و نامه‌هایش آشنایی پیدا کردیم. فلیکس نام خرگوشی است که در کتاب‌هایش برای کودکان نامه می‌فرستد و در بعضی جلد‌ها هم چیزهای هیجان‌انگیزی مانند بذر گیاه می‌توان پیدا کرد. بدین ترتیب، فلیکس یکی از اعضای تأثیرگذار کارگاه‌های چهارشین^۱ کتاب‌فروشی خانه آبی^۲ شد.

در کارگاه‌های چهارشین، فلیکس نامه‌هایی برای شرکت‌کنندگان می‌فرستد. این نامه‌ها به گونه‌ای هستند که زمینه آشنایی با برخی کتاب‌ها، بازی‌ها، فعالیت‌های جست‌وجوگرانه و ساخت و ساز را فراهم می‌کنند.

در یک چهارشین که بعد از شب یلدا برگزار شد، فلیکس نامه‌ای همراه با یک عکس از خودش فرستاد و ماجرای شب یلدايش را تعريف کرد. هنگام خواندن نامه بازی کردیم و با کتاب «چرا دست‌هایم را باید بشویم، وقتی کثیف نیستند؟» آشنا شدیم. در ادامه، سالادی با انار درست کردیم و از مزه سالادمان برای هم تعریف کردیم و عکس انداختیم تا برای فلیکس بفرستیم.

سرآغاز

این مقاله را با یک سوال آغاز می‌کنیم سوالی که برای چند نفر که می‌خواستند کتاب‌فروشی داشته باشند شکل گرفت: یک کتاب‌فروشی به غیر از خدمت فروش کتاب چه خدماتی دیگر می‌تواند ارائه دهد که افراد محله خود را به مطالعه کتاب علاقه‌مند کند؟

این سوال با خود گفت‌وگوها و ایده‌پردازی‌هایی به همراه داشت از جمله اینکه رویدادهایی در کتاب‌فروشی برپا شود که در آن‌ها به معرفی کتاب بپردازیم و اینکه این رویدادها چه هستند و چگونه اجرا می‌شوند موضوعی است که در ادامه این مقاله به توضیح آن پرداخته شده است.

شرح ماجرا

بیا باید تصور کنیم یکی از شخصیت‌های داستانی که دوستش داریم، برایمان نامه و عکس بفرستد و از خاطراتش بگوید و در ماجراهایش شخصیت‌هایی از داستان‌های دیگر یا کتاب‌هایی را که مطالعه کرده است، به ما معرفی کند. گاهی ما را با هدیه‌هایی که می‌فرستد شگفت‌زده کند و بعضی وقت‌ها معماهایی را که



فرستاد و مأموریت ما در کارگاه پیدا کردن گنج شد؛ بماند که در ادامه آن، گنج‌های ناشناخته بسیاری در دوربرخودمان پیدا کردیم! از سنگی که می‌درخشید و با ذره‌بین بررسی شد تا گل‌های کوچک و زیبای اطرافمان و بدین ترتیب، یک میز را

نمی‌گوییم «کتاب خوب است» بلکه کتاب را در دسترس قرار می‌دهیم و همچون یک موجود زنده سعی در تعامل با آن داریم؛ به ماجراها و شخصیت‌های درون آن احترام می‌گذاریم و به میهمانی دعوتشان می‌کنیم و گاهی میهمانشان می‌شویم

از چیزهایی که پیدا کردیم، پر کردیم و در انتها نیز بعضی‌ها دلشان خواست که کتاب «فلیکس و گنج فراموش شده» را تهیه کنند.

بعضی وقت‌ها فلیکس در نامه‌هایش ما را با دوستان دیگر در سایر کتاب‌ها آشنا می‌کند؛ مانند نامه‌ای که در آن از گم شدنش در یک شب سرد زمستانی و دوست شدنش با شخصیت‌های داستان «مهمان ناخوانده» صحبت کرده بود که او را پناه داده بودند و به این ترتیب، ما نیز به جای شخصیت‌های کتاب مانند خاله پیرزن و گنجشک فرصت نقش‌آفرینی پیدا کردیم. همه این‌ها ردپای قدم‌هایی است که برای دوست شدن با کتاب برمی‌داریم؛ فعالیتی که طی آن نمی‌گوییم «کتاب خوب است»



بعد از هر کارگاه، کودکانی هستند که به سراغ همراهشان می‌روند و می‌خواهند که کتابی از فلیکس را داشته باشند. هستند کودکانی که با چشم‌هایی پر از شوق، می‌خواهند. ماجرای کتابی از فلیکس را که خوانده‌اند، تعریف کنند و کتاب‌ها را به یکدیگر معرفی کنند.

برای فلیکس اتفاق‌های زیادی می‌افتد؛ ماجراهایی فراتر از آنچه در کتاب‌هایش ثبت شده است! چون برای ما نامه‌های اختصاصی می‌فرستد که مربوط به موضوعات پشت پرده کتاب است؛ مانند نامه‌ای که در جریان کتاب «فلیکس به سیرک می‌رود» به دستمان رسید و ما را ترغیب کرد که یک پرتابگر در کارگاه بسازیم. همچنین، یک بار فلیکس یک نقشه گنج برایمان



بلکه کتاب را در دسترس قرار می‌دهیم و همچون یک موجود زنده سعی در تعامل با آن داریم؛ به ماجراها و شخصیت‌های درون آن احترام می‌گذاریم و به میهمانی دعوتشان می‌کنیم و گاهی میهمانشان می‌شویم. در این مسیر، کنجکاوی‌مان برای شناخت بیشتر شخصیت‌ها و ماجراها برانگیخته می‌شود. به همین خاطر، عکس‌های یک کتاب را ورق می‌زنیم و گاهی کلماتی از آن را می‌خوانیم؛ این از جمله فرایندهایی است که شاید رابطه دوستانه کودک و کتاب را برایمان هدیه بیاورد.

